



حاج مرشد چلوبی‌ها هنوز هم کم نیستند

نسیه و پول نقد داده می‌شود، به قدر قوه!

■ مهدی ارجمند

خیلی وقت است که او را می‌شناسم؛ حدود ۱۵ سال است با او رفاقت دارم و هم‌کاری در کار خیر. البته خیریه‌ای که او راه‌اندازی کرده عمرش کمتر از پنج سال است و در این پنج سال فعالیت‌های خیلی خوبی انجام می‌دهد.

محسن از آن بچه‌های دوستداشتنی است. از کسانی که همیشه به

■ بنی آدم اعضای یک پیکرنند

شاید شما هم این شعر معروف سعدی را شنیده‌اید که « بنی آدم اعضای یک پیکرنند.» مصداق این شعر را خیلی وقت‌ها می‌توان در رفتار ایرانی‌ها جست‌وجو کرد. مردمانی مسلمان و نوع دوست که کمک به دیگران را دوست دارند و با اعتقادی راسخ در این راه گام‌بر می‌دارند چرا که اسلام دین انفاق و کمک به دیگران است. نمونه‌اش بنیادهای خیریه و مؤسسات نیکوکاری است که در شهرهای مختلف و استان‌های گوناگون به کمک نیازمندان می‌شایند. کاری به سوءاستفاده‌برخی از مؤسسات ندارم و قبول دارم که ممکن است برخی از این مؤسسات از نیاز نیازمندان و در راه کمک به نیازمندان از احساسات مردم نیکوکار سوءاستفاده می‌کنند اما بسیاری از مؤسسات نیکوکاری و خیریه‌ها نیز هستند که با تمام وجود و از روی اخلاص به نیازمندان کمک می‌کنند.

در این میان برخی از افراد نیز به صورت خودجوش و طوری که خیلی‌ها متوجه نمی‌شوند در کنار صدها خیریه دیگری به فکر رفع مشکلات نیازمندان هستند.

نمونه‌اش همین خیریه‌ای است که محسن و دوستانش در تهران راه‌اندازی کرده‌اند و در حال حاضر حدود ۸۰ خانواده کم‌بضاعت و بچه‌های یتیم را تحت پوشش و سرپرستی دارند. کاری که پنج سال پیش با سرپرستی دو خانواده شروع شد و به همت چند دوست خیر و نیکوکارش توانسته است حالا ۸۰ خانواده بی‌سرپرست و کم‌بضاعت سرپرستی کند و آنها را تحت پوشش قرار دهد. وقتی با محسن صحبت می‌کنم، می‌گوید: این کار پنج سال پیش ابتدا تا خرید نان و برخی از مایحتاج روزانه برای دو خانواده محروم در یکی از محلات تهران شروع شد و کم کم گسترش یافت و اکنون به لطف خدا توانسته‌ام ۸۰ خانواده محروم و کم‌بضاعت را تحت پوشش قرار دهم. او می‌افزاید: پنج سال پیش وقتی متوجه شدم دو خانواده در یکی از محلات تهران زندگی می‌کنند که شرایط مالی مناسبی ندارند و از طریقی هر دو بی‌سرپرست هستند برای رضا خدا تصمیم گرفتم به آنها کمک کنم و در اولین قدم با کمک یکی از اعضای هیئت امنای مسجد محل طوری که آبرو و شأن این خانواده‌ها حفظ شود، روزانه نان و مایحتاج روزمره زندگی را تهیه می‌کردم و به آنها می‌رساندم. این جوان نیکوکار می‌افزاید: هر روز برای این خانواده‌ها از نانوبانی نان می‌خریدم و اجناسی را که روزانه نیاز داشتند، برایشان تهیه می‌کردم و به آنها می‌رساندم. ابتدا برای اینکه این کار ریا نشود جز من و همان آقای مسجدی که س‌دیگری خیر نداشت تا اینکه به پیش نهاد او قرار شد از چند نفر دیگر هم کمک بگیریم و بتوانیم چند خانواده دیگر را نیز تحت

صدها خیریه و مؤسسه نیکو کاری در نقاط مختلف کشور وجود دارد و در این میان هزاران نفر هستند که از طرق مختلف به دیگران کمک می‌کنند. این

را بگذار بسم در کنار مؤسساتی که به دروغ هدفشان را کمک به نیازمندان می‌دانند اما در پس پرده برای خودشان کیسه دوخته‌اند. ارزش انسان‌ها به کاری است که انجام می‌دهند. حاج مرشد چلوبی‌ها هنوز هم هستند

فکر دیگران است. کافی است متوجه بشود یک نفر کمک می‌خواهد آن وقت خودش را به آب و آتش می‌زند تا هر طور شده مشکل او را برطرف کند.

خیریه‌ای که او و دوستانش راه‌اندازی کرده‌اند یک بنیاد نیکوکاری است که هدفشان حمایت از کودکان یتیم و خانواده‌های بی‌ضاعت است. از هیچ کمکی برای تأمین نیازهای آنها و حمایتشان دریغ

پوشش قرار دهم.

او می‌افزاید: این تصمیم در آن سال همزمان شد با ماه رمضان و موضوع را با یکی دو نفر از دوستانم در میان گذاشتم و آنها نیز قبول کردند به ما کمک کنند و اینگونه بود که تا پایان ماه رمضان همان سال تعداد خانواده‌های تحت پوشش به ۱۰ خانواده رسید و حالا خوشبختانه ۸۰ خانواده تحت پوشش قرار دارند و تمامی نیازهای معیشتی آنها توسط این گروه نیکوکاری تأمین می‌شود. محسن در ادامه می‌گوید: با نانوبانی‌های محل صحبت کردم تا افراد برای خرید نان به نانوبانی بروند و هیچ گونه پولی پرداخت نکنند و در آخر هر ماه با کمک‌هایی که از اعضای صندوق خیریه جمع می‌کنیم، هزینه نان این خانواده‌ها را می‌پردازیم. ضمن اینکه با همین پولی که جمع شده است ماهی یکبار بسته‌های غذایی چربی شیبه سبب کالا تهیه می‌کنیم و طوری که آبرو و شأن آنها حفظ شود به آنها تحویل می‌دهیم.

■ شبکه‌های اجتماعی خیریه مجازی

در این میان برخی از افراد از فضای مجازی و شبکه‌هایی مانند تلگرام و اینستاگرام برای کمک به هموعان خود استفاده می‌کنند. مثلاً در جست‌وجوهایی در تلگرام به پیام‌هایی برمی‌خوریم که حکایت‌از کمک به هموع بدون هیچ گونه چشمداشتی دارد.

در برخی از گروه‌های تلگرامی افرادی دور هم جمع شده‌اند و با تشکیل یک گروه خیریه به نیازمندان کمک می‌کنند. افراد این گروه تقریباً همه همدیگر

را می‌شناسند و وقتی فردی نیازمند را شناسایی کرده‌اند در گروه پیام می‌گذارند و هر کس در حد وسع و توان خودش کمک می‌کند. به عنوان مثال در یکی از گروه‌های تلگرامی برای تهیه پول پیش یا تأمین اجاره بپای یک خانواده پیام گذاشته شده و در یک گروه دیگر نیز برای تأمین هزینه عمل یک بیمار کم‌بضاعت از دیگران کمک خواسته شده و هر کس در حد توان خود در این امر خداپسندانه شرکت می‌کند. در این میان برخی از افراد از فرصت فضای مجازی که برای کمک گرفتن به دیگران بلکه برای کمک کردن استفاده می‌کنند و در این باره آگهی و پیام‌هایی را منتشر می‌کنند. مثلاً یکی از پیام‌هایی که در گروه‌های اجتماعی و شبکه‌های تلگرامی می‌بینیم این است که فردی پیام داده لباس‌های در حد نو به افراد کم‌بضاعت هده داده می‌شود. در یک گروه دیگر نیز پیامی درج شده که برای تأمین وسایل زندگی افراد کم‌بضاعت اعلام آمادگی می‌کند. فرد دیگری در یکی دیگر از گروه‌ها نیز پیام داده است که مواد غذایی برای کمک به خیریه‌ها و مؤسسات نیکوکاری آماده تحویل رایگان است.

■ پول دستی هم می‌دهیم!
برایم جالب است که در برخی از گروه‌های تلگرامی و

سبک زندگی

سبک زندگی ۸۸۹۸۴۷۱

“

در این میان برخی افراد به صورت خودجوش و طوری که خیلی‌ها متوجه نمی‌شوند در کنار صدها خیریه دیگری به فکر رفع مشکلات نیازمندان هستند. نمونه‌اش همین کاری است که محسن و دوستانش در تهران راه‌اندازی کرده‌اند و در حال حاضر حدود ۸۰ خانواده کم‌بضاعت و بچه‌های یتیم را تحت پوشش و سرپرستی دارند. کاری که پنج سال پیش با سرپرستی دو خانواده شروع شد و به همت چند دوست خیر و نیکوکارش توانسته است حالا ۸۰ خانواده بی‌سرپرست و کم‌بضاعت را سرپرستی کند و آنها را تحت پوشش قرار دهد

نمی‌کنند از کمک برای درس خواندن بچه‌های یتیم گرفته تا رفع دغدغه‌های مالی و رفع مشکلات معیشتی این خانواده‌ها. او و دوستانش اعتقاد دارند کمک به هموع در حقیقت یک امر واجب است و کسی که کاری از دستش برای کمک به دیگران برآید و کوتاهی کند روز قیامت باید جواب بدهد. هرچند در همین دنیا ابتدا باید به وجدان خودش جوابگو باشد.

متعهدی هستند که در رشته پزشکی درس می‌خوانند و با کمک دو سه نفر از استادان خود یک گروه پزشکی و درمانی راه‌اندازی کرده‌اند و با حضور در مناطق محروم و روستاهای مختلف نسبت به درمان رایگان بیماران اقدام می‌کنند. نمونه این کارها بسیار زیاد است و در مناطق مختلف شاهد گروه‌هایی هستیم که بدون چشمداشت و فقط برای رضای خدا نسبت به کارهای خداپسندانه اقدام می‌کنند.

اینستاگرام پیام‌هایی را می‌بینم که افراد برای کمک مالی اعلام آمادگی کرده‌اند. در این پیام‌ها اعلام شده است که حاضرند به افراد کم‌بضاعت و نیازمند کمک مالی کنند. باور کردنش برام سخت است اما این موضوع حقیقت دارد. مثلاً در یکی از گروه‌های تلگرامی چشمم به یک آگهی می‌افتد که نوشته است در حد توان کمک مالی می‌کنم. دیدن این پیام برام جالب است، بیشتر که جست‌وجو می‌کنم به پیام‌هایی مشابه می‌رسم که برخی از افراد پیام‌هایی مشابه داده‌اند که به افراد کم‌بضاعت کمک می‌کنند. برای اطلاع بیشتر در خصوص این پیام‌ها با یکی از آگهی‌ها تماس می‌گیرم و سرس حرف را با او باز می‌کنم. آن طرف خط صدای جوانی است که خیلی مؤدبانه حرف می‌زند و می‌گوید: «من شغل آزاد دارم و البته توانایی مالی بالایی ندارم اما خدارو شکر بد نیست بالاخره خدا روزی ما را می‌دهد. چندی پیش تصمیم گرفتم به برخی از افراد در حد توانم کمک کنم. برای همین بهتر دیدم از طریق فضای مجازی به افرادی که به کمک نیاز دارند اعلام کنم برای همین پیام دادم و افرادی ممکن است تماس بگیرند و من در حد وسع خودم به آنها کمک می‌کنم.»

حرف‌های این جوان برام جالب است. با خودم فکر می‌کنم چگونه ممکن است فردی در فضای مجازی پیام بگذارد که آمادگی دارد به افراد کمک کند و اگر کسی تماس گرفت و نیازمندی او برایش مسلم شد، به او کمک می‌کند. اما وقتی بیشتر جست‌وجو می‌کنم به پیام‌های مشابه دیگری نیز در این خصوص می‌رسم. جالب است وقتی با یکی دیگر از کسانی که پیام داده‌اند صحبت می‌کنم، اونیز حرف‌های نفر قبلی را تأیید می‌کند و می‌گوید در حد وسعم می‌توانم کمک کنم. او توضیح می‌دهد: اگر کسی تماس گرفت شرایطش را بررسی می‌کنم و بینی و بین‌الله اگر در حد توانم باشد آن روز بدون هیچ شرایطی کمکش می‌کنم.

■ بادش پیچیر حاج مرشد چلوبی

صحت‌ها و رفتارهای درویش مسلک این افراد مرا یاد مرحوم مرشد چلوبی می‌اندازند. پیرمرد رستوران‌دار خوش‌مشرب و مؤمنی که در ضلع شرقی مسجد جامع بازار دکان غذاخوری داشت و بالای پیشخوان دکانش نوشته بود: نسیه و پول نقد داده می‌شود به قدر قوه... هم حوم حاج مرشد چلوبی این خصلت را داشت. خصلتی که شاید خیلی از افراد که دنیا برایشان بزرگ است و پول از هر چیزی برایشان ارزشمندتر است هیچ وقت نداشتند، اما حاج مرشد چلوبی عارفی بود که دنیا برایش کوچک بود و نه تنها به مشتریانش غذای نسیه می‌داد بلکه به افرادی که به پول نیاز داشتند در حد توانش پول قرضی می‌داد. این رفتارهای حاج مرشد چلوبی نه تنها باعث ورشکستگی و کاهش رونق کسب و کار این پیر سالک نشد بلکه حتی باعث رونق کسب و کار و برکت فراوان در زندگی و مال داری او بود.

این روزها هم خوشبختانه افرادی را می‌بینیم که بدون هیچ چشمداشتی نسبت به رفع دغدغه و نیاز نیازمندان و افراد کم‌بضاعت اهتمام می‌ورزند و باחס نیکوکاری که دارند همواره به دنبال رفع مشکلات دیگران هستند. صدها خیریه و مؤسسه نیکوکاری در نقاط مختلف کشور وجود دارد و در این میان هزاران نفر هستند که از طرق مختلف به دیگران کمک می‌کنند. این را بگذاریم در کنار مؤسساتی که به دروغ هدفشان را کمک به نیازمندان می‌دانند اما در پس پرده برای خودشان کیسه دوخته‌اند. ارزش انسان‌ها به کاری است که انجام می‌دهند. حاج مرشد چلوبی‌ها هنوز هم هستند.

نگاه

فقر و نیازمندی ریشه‌کن می‌شود اگر بخواهیم...

کانون خیرانی به وسعت ایران

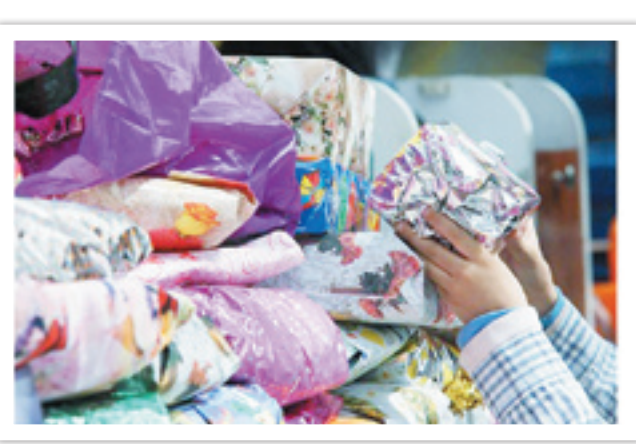
دست خودم نیست هر وقت یک آدم فقیر می‌بینم دلم می‌سوزد. وقتی آدمی را می‌بینم که دارد گدایی می‌کند بغض سختی گلویم را فشار می‌دهد و حالت روحی‌ام عوض می‌شود. از دیدن هیچ فقیری خوشحال نمی‌شوم و از مشاهده تکدی‌گری افراد در کوچه و خیابان‌های شهر رنج می‌برم. وقتی می‌بینم آدمی دارد گدایی می‌کند حسایی به هم می‌ریزم، دلم می‌خواهد به جایی برسیم که دیگر هیچ کس در این شهر گدایی نکند. هیچ فقیری نباشد و هیچ کسی مجبور نشود دستش را پیش کسی دراز کند. خوشبختانه در کشور ما نهادهای حمایتی مانند کمیته امداد، بهزبستی... و در کنارش صدها خیریه و مؤسسه نیکوکاری فعالیت می‌کنند اما نمی‌دانم چرا فقر و بی‌پولی و نیازمندی در کشور ماریشه‌کن نمی‌شود.

آدم‌هایی که توی خیابان‌ها گدایی می‌کنند دو حالت دارند یا طرف واقعاً نیازمند است یا اینکه آدم ششیاد و تن‌پروری است که از احساسات و عواطف مردم سوءاستفاده می‌کند. برخی بر این اعتقاد هستند که درصد بالایی از افراد متکدی شیادانی هستند که به جای کار کردن از عواطف مردم سوءاستفاده می‌کنند و چشمشان به دست دیگران است و گرنه نیازمندی واقعی شرافت و کرامت انسانی‌اش اجازه نمی‌دهد که گدایی کند. برای همین است که صاحب‌نظران توصیه می‌کنند از کمک کردن به متکدیان خیابانی امتناع کنیم و اگر قرار است به نیازمندان کمک کنیم به خیریه‌ها و مؤسسات نیکوکاری معتبر و قانونی مراجعه کنیم. با این حال سوآلی که شاید همیشه برای خودم وجود داشته این است که با این همه خیریه و مؤسسه نیکوکاری و نهادهای حمایتی چرا هیچ‌گاه فقر و نیازمندی در جامعه ریشه‌کن نمی‌شود یا کاهش نمی‌یابد و همیشه باید در خیابان‌ها و معابر شهر شاهد چهره زشت تکدی‌گری باشیم؟

کاری به هدفگذاری مؤسسات خیریه و ساختمان‌های ششیکی که بعضاً از کمک‌های مردمی تهیه می‌شود ندارم اما پاسخ این سؤال را شاید در این ضرب‌المثل بتوان جست‌وجو کرد که به جای آموزش ماهیگیری به نیازمندان، خوردن ماهی را به آنها پساد داده‌ایم. همان ضرب‌المثل قدیمی که می‌گوید اگر می‌خواهی کسی را یک شنب بسیر کنی به او ماهی بده اما اگر می‌خواهی تمام عمر بسیر باشد به او ماهیگیری یاد بده.

شاید ایراد اساسی در عدم موفقیت برای کنترل

هیچ‌گاه باعث ریشه‌کنی فقر نشده، یک راهکار جدید را امتحان کنیم.



“

صاحب‌نظران توصیه می‌کنند از کمک کردن به متکدیان خیابانی امتناع کنیم و اگر قرار است به نیازمندان کمک کنیم به خیریه‌ها و مؤسسات نیکوکاری معتبر و قانونی مراجعه کنیم. با این حال سوآلی که همیشه وجود داشته این است که با این همه خیریه و مؤسسه نیکوکاری و نهادهای حمایتی چرا هیچ‌گاه فقر و نیازمندی در جامعه ریشه‌کن نمی‌شود یا کاهش نمی‌یابد و همیشه باید در خیابان‌ها و معابر شهر شاهد چهره زشت تکدی‌گری باشیم؟

وریشه‌کنی فقر و نیازمندی در جامعه این است که سال‌های سال متأسفانه به نیازمندان جامعه ماهی داده‌ایم اما هیچ وقت به آنها ماهیگیری یاد ندادیم. بخش زیادی از افراد نیازمند جامعه ساکن حاشیه شهر، مناطق محروم و بعضاً مناطق روستایی هستند، در حالی که بیشتر این افراد هنر مندانی هستند که دارای توانایی‌های بسیار زیادی می‌باشند و می‌توانند در حوزه‌هایی مانند صنایع دستی و هنرهای سنتنی فعالیت داشته باشند و از این طریق کسب درآمد کنند. به عنوان مثال همین حالا در روستاهای استان کرمانشاه برخی از بانوان گیوه می‌بافند و از این طریق کسب درآمد می‌کنند تا هیچ‌گاه مجبور نباشند محتاج کسی باشند. در روستاهای سیستان و بلوچستان مانند روستاهای سراوان سفالگری کار اصلی مردمان این منطقه است و سوزن‌دوزی‌های زیبا هنر دست زنان بلوچ است. در استان‌هایی مانند هرمزگان افرادی هستند

که صصیر می‌بافند و مردمان روستاهای استان کرمان مهارت خاصی در زیلوبافی دارند و همینطور در هر استان مردم دارای مهارت‌های خاص هنری هستند که می‌تواند منبع درآمدی پایدار برای آنها باشد. توجه به این ظرفیت‌ها در هر شهر و روستا می‌تواند باعث درآمدزایی شده و مشکل بیکاری در این مناطق رفع شود.

به هر کجای ایران که سفر کنیم در هر شهر یا روستا و در هر منطقه مردان و زنان هنرمندی را می‌بینیم که با کمترین ابزار و وسایل قادرند محصولات صنایع دستی زیبا و هنرهای سنتی ماندگار خلق کنند و سرپنجه‌های هنرمندان آثاری را تولید کند که می‌توان با فروش آنها درآمدزایی کرد.

با این حال برخی از افراد را می‌بینیم که به خاطر بیکاری و نداری روبه تکدی‌گری آورده‌اند و پیش هر کسی دست دراز می‌کنند.

البته در این میان شاید واقعاً برخی از افراد خانواده‌ها باشند که به معنی واقعی کلمه مستحقند و نیازمند کمک. مثلاً خانواده پرجمعیت در مناطقی محروم که پدر از دست داده یا خانواده‌ای که با فقر و بیماری دست و پنجه نرم می‌کند، نمونه‌هایی از افرادی هستند که در عین شرافت و برخورداری از کرامت انسانی مستحق کمک و یاری می‌باشند.

در این میان شاید بعضی از کارهای جهادی بار برای همیشه حل کند و شاید وقت آن رسیده است که یک بار برای همیشه فقر را از این خانواده‌ها برطرف کرد و به جای طی کردن راههای تکراری که در سال‌های گذشته

هیچ‌گاه باعث ریشه‌کنی فقر نشده، یک راهکار